

خانم مدیر، فیلمسازان رومانی را خشمگین کرد

در اقدامی عجیب و غریب و غیرمنتظره، حرفه‌ای‌های صنعت سینمای رومانی علیه مرکز فیلم رومانی موضوعگیری کرده و طی بیانیه‌ای خواهان تعطیلی این مرکز دولتی شده‌اند. بیش از ۹۰ هنرمند فعال سینمای این کشور اروپای شرقی بعد از اظهارات اخیر آنسا میتران، مدیر مرکز فیلم رومانی، از او خواسته‌اند از شغل خوداستعفا دهد یا دولت این مرکز را تعطیل کند. این خانم در مصاحبه‌ای با رسانه‌های گروهی گفته بود فیلمسازان و تهیه‌کنندگان رومانیایی طی سال‌های اخیر بیشتر اقدام به تولید فیلم‌های هنری و غیرمتعارف کرده‌اند و از ساخت محصولات عامه‌پسند و تجاری و مورد علاقه گیشه اجتناب می‌ورزند. در همین حال، آنسامیتران علیه فیلم‌های زائر مستند هم موضعگیری کرد و گفت دلیلی نمی‌بیند این نوع فیلم‌ها در سالن سینماهای کشورروی پرده‌برد. اعتراض عمومی نسبت به صحبت‌های این مدیر سینمایی، کمی بعد از واکنش منفی مستندسازان به این اظهارات صورت گرفت. مستندسازان رومانیایی که به‌شدت از حرف‌های میتران متعجب و ناراحت شده بودند، این اظهارات را ازجای و ضدسینمایی ارزیابی کردند. به‌دنبال آن نامه سرگشاده همه دست‌اندرکاران صنعت سینمای کشور در رسانه‌ها منتشر شد و تحلیلگران سینمایی گفتند این یکپارچگی خبر از وحدت کلی هنرمندان صنعت سینمای کشور در تمامی زمینه‌ها و زانرها می‌دهد. این بخش از صحبت‌های میتران که فیلم‌های غیرمتعارف وهنری این‌روزهای هنرمندان او را به یاد محصولات و فیلم‌های تبلیغاتی و دولتی دوران حکومت سابق کمونیستی کشور می‌اندازد که حال وهوایی پروپاگاندایی داشتند، از نکاتی بود که باعث عصبانیت هنرمندان شد. به گفته هنرمندان رومانیایی این حرف‌ها توهینی آشکار به آنها و کارهای‌شان بوده‌است.



مدیری که به سود هالیوود کار می‌کند

هنرمندان رومانیایی به این موضوع هم اشاره کرده‌اند که خانم میتران تلاش دارد فیلم‌های سطحی و کم ارزش (در سینماهای کشور اکران و تولید این‌گونه کارهای سطحی راتبلیغ کند و در کنار آن، با فراهم کردن امکان نمایش عمومی تولیدات هالیوودی سطح سلیقه‌تماشگران را پایین نگه دارد. در همین حال، آنها عقیده دارند میتران در مصاحبه‌اش به دروغ‌گویی پرداخته و در مورد سینمای مستند اطلاعات غلطی ارائه کرده‌است. به‌گفته هنرمندان رومانیایی، اتفاقا فیلم‌های مستند در بین تماشاگران این کشور طرفداران بسیار زیادی دارد و به همین دلیل، آنها در سالن‌های سینماها و در کنار فیلم‌های داستانی به نمایش درمی‌آیند. رقم فروش بالای این فیلم‌ها در جدول گیشه نمایش هم از نوع استقبال و واکنش عموم مردم نسبت به آنها حکایت دارد. در بیانیه هنرمندان از جمله آمده‌ است: «طی ۱۰ سال گذشته ما بیش از ۱۰۰ فیلم مستند تهیه و تولید کرده‌ایم و تنها در سال ۲۰۲۰ تعداد ۹ فیلم از ۲۰ فیلم اکران شده در سینماهای کشور، آثار مستند بوده‌اند. تنها فیلمی هم که از رومانی در مراسم اسکار نامزد دریافت جایزه شد، مستند تحسین شده «جمع‌گرایی» بوده‌ است. برخلاف بسیاری از کشورهای دنیا که معمولاً استقبال بالایی از محصولات مستند نمی‌شود، فیلم‌های مستند در کشور ما بیشنده زیادی دارد.» مقامات رسمی رومانی هنوز واکنشی به این اتفاقات نشان نداده‌اند و مشخص نیست دعای هنری بین سینماگران کشور و مدیر مرکز فیلم رومانی بالاخره به کجا خواهد کشید./ ورایتی

خدا حافظی

«سگ بند» با اکران سینماها

یکی دیگر از فیلم‌هایی که مدت‌ها بود در جدول اکران سینمای کشور حضور داشت و به دلیل فروش بالا از اکران خارج نشده بود؛ از این هفته با سینماهای کشور خدا حافظی می‌کند. فیلم سینمایی «سگ‌بند» دومین ساخته سینمایی مه‌ران احمدی توانست با فروشی معادل ۴۰میلیارد تومان به کار خود در چرخه اکران پایان دهد، حال باید منتظر ماند تا این فیلم راهی اکران در نمایش خانگی

شود. این فیلم قبل از «انفرادی» ساخته مسعود اطیابی اکران شده بود اما در رقابت برای کسب پرفروش‌ترین فیلم سینمایی سال ۱۴۰۱ از این فیلم عقب افتاد چرا که آخرین فیلم اطيابی تاکنون بیش از ۶۰میلیارد تومان فروش داشته‌ است. این دو فیلم تنها فیلم‌هایی هستند که از ۴۰میلیارد تومان گذر کرده‌اند. پس از سگ‌بند، سومین فیلم پرفروش سال یک فیلم در ژانر اجتماعی یعنی «علفزار» ساخته کاظم

هنری که ۱۲۴ سال است علیه خود حرف می‌زند

سانسور سینما علیه سینما در ایران



داستان‌ها، عوامل و حتی واقعیت آن را زیر علامت سؤال برد.

ظفیان سینماگران علیه بی‌عدالتی

بسیاری دیگر از سینماگران سینمای غرب و هالیوود نیز به ظلم و بی‌عدالتی‌هایی که از سوی سیستم حاکم بر بازیگران و هنرمندان تحمیل می‌شد پرداختند؛ از بری لونسون در فیلم «آنچه اتفاق افتاد» تا براین دی یالما در «کوک‌سیاه» تا فیلم «جودی» (رابرت گولد-۲۰۱۹) که به رنج بی‌پایان جودی گارلند (هنرپیشه معروف دهه ۳۰ و ۴۰) از صاحبان کمپانی مترو گلدوین هم‌یر می‌پرداخت تا فیلم «منک» که در آن دیوید فینچر به تباه‌شدن فیلمنامه‌نویسی همچون «هرمن جی منکیه ویتس» در هالیوود اشاره داشت و «ترومبو» که درباره دالتون ترومبو معروف، به قولی یکی از ۱۰ نام‌بزرگ هالیوود بود و بلایی که به خاطر انگیزاسیون مک‌کارتیسم بر سرش آوردند یا فیلم‌های «کافه سوسایتی» (ودوی آلن) و «درو برساز» (برادران کوئن) و ... و اما طرفه آن‌که در تاریخ سینمای ایران، کمتر چنین انتقادات و افشاگری‌ها و اعتراضات علیه آن را شاهد بوده‌ایم. گویی همواره با معبد مقدسی مواجه

به سبک و سیاق همیشگی‌اش با دنیایی از ضدروایت‌ها و تداخل زمان‌ها و شخصیت‌ها، سینما و هالیوود را به چالش کشید. در فیلم اینلند امپایر، نابهنجاری‌هایی که از تحقق آرزوهای سینمایی در هالیوود اتفاق می‌افتاد، واقعیات تلخ پشت پرده رنگ و لعاب‌های فریبنده آن، حقایق آن‌سوی تشویق‌ها و جایز و شهرت و هنرمندی‌های کاذب و ... در کادر دوربین دیوید لینچ قرار گرفت. یا در فیلم مالهالند درایو و در یکی از بزنگاه‌های آن، در صحنه‌ای که تمام کادر را تصویر شاد و سرحال همراه رنگ‌های سرزنده خوانندگانی پر می‌کرد به سبک موزیکال‌های دهه ۴۰ و ۵۰، در حال خواندن آوازی از کانی استیونس برای یک فیلم‌بودن، با عقب‌کشیدن دوربین و بازشدن کادر آن، آن خوانندگان در اتاقی شیشه‌ای محبوس و محصور دیده می‌شدند که اطراف‌شان را سیاهی و وسایل و ابزار سنگین فیلمبرداری پر کرده بود. دوربین تا آن حد عقب می‌کشید که کادر تصویر همان آوازه‌خوان‌ها در مقابل کل تصویر، بسیار کوچک به نظر می‌رسید.

این نما شاید یکی از تکان‌دهنده‌ترین تصاویر تاریخ سینما درباره خود سینما باشد که همه قصه‌ها و

وقتی همه خوابیم

در واقع می‌توان این فیلم را نسخه ایرانی همان فیلم «شب آمریکایی» فرانسوا تروفو دانست با زبانی تندتر و صریح‌تر. فیلم وقتی همه خوابیم با وجود مخالفت‌های کمیسیون نمایش، با دخالت وزارت ارشاد و معاونت سینمایی در بهترین زمان اکران سال یعنی نوروز ۱۳۸۸ بر پرده سینماها رفت و اعتراض بسیاری از فیلمسازان و تولیدکنندگان را موجب شد اما این بار بالاخره مشخص شد که چه کسانی نقد به سینما و پشت‌صحنه و افشای روابط فرامنتی آن را بر نمی‌تابند و چه کسانی از آن پانثوونی ساخته‌اند تا دکان خود را داشته باشند و از آن باز بخورند. از همین روی فیلم وقتی همه خوابیم در همان جشنواره بیست و هفتم و در کنفرانس مطبوعاتی بعد از نمایش فیلم (که به جنجال کشیده شد) و همین‌طور در نقدها و نوشته‌های پس از آن، مورد

نشست

سینمای ایران خون تازه می‌خواهد

در دومین شب سینمایی سوره از محمد کاسی، منوچهر محمدی و امیرا... احمدجو به‌خاطر سال‌ها فعالیت در عرصه سینمای انقلاب اسلامی تجلیل شد. به گزارش جام‌جم، در این نشست حمیدرضا جعفریان، رئیس

سازمان سینمایی گفت: ما در دوره جدید سازمان سینمایی سوره تلاش کردیم میراث حوزه را احیا کنیم؛ براین اساس اولین تمرکزمان را روی شکل‌گیری جریان تولید گذاشتیم چراکه همه حوزه هنری را با تولیداتش می‌شناسند. ابتدا دو در شروع نیز فقط شاهد تولیدات سینمایی بودیم اما در سال‌های بعدی آثاری در دیگر رشته‌های هنرهای تصویری مانند فیلم‌های تلویزیونی، سریال، انیمیشن و مستند شاهد بودیم. وی ادامه داد: غیر از حضور در جشنواره فیلم فجر با تولیدات سینمایی که جزو روال کاری و بدیهیات ماموریت حوزه است، به دنبال آن بوده و هستیم که توجه ویژه‌ای به صداوسیما و تولیدات تلویزیونی داشته باشیم. ما فکر می‌کنیم سینمای ایران در سده جدید به تحول، احیا و دمیدن خون تازه نیاز دارد. اکنون در آغاز مسیری تازه قرار داریم و می‌خواهیم خط سینمای امیدآفرین، قصه‌گو و قهرمان محور را دنبال کنیم.



بوده‌اند که اجازه نداشته‌اند علیه‌اش فیلم بسازند؛ یا انتقادات‌شان به‌شدت سانسور شده‌ است. اگرچه یکی از نخستین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران یعنی «حاجی آقا آکتور سینما» ساخته آوانس اوگانیانس در سال ۱۳۱۱، درباره پدیده سینما بود اما درواقع سینما را به‌طور تمام و کمال مورد ستایش قرار می‌داد که گویا حتی مخالفان متعصب خود (مانند حاجی‌آقا) را نیز جذب نموده و آنها را در مسیر زندگی متجددانه قرار می‌داد.

سکوت سینما علیه سینما در ایران

شاید در سال‌های قبل از انقلاب، تنها دو فیلم را بتوان ذکر کرد که به‌نوعی علیه خود سینما وارد میدان نقد شده و روابط درون و بیرون آن را به چالش کشانده‌اند: «جوجه فکلی» ساخته رضا صفایی در سال ۱۳۵۳ که درواقع هجو فیلمفارسی و عوامل و عناصر آن بود. «مغول‌ها» ساخته پرویز کیمیای در سال ۱۳۵۲ که گرچه بیشتر نقد تهاجم فرهنگ رسانه‌ها و خصوصاً تلویزیون به نظر می‌آمد ولی به سینما هم اشاره‌هایی داشت. البته کیمیایو این نقد رسانه‌ها و تهاجم فرهنگی را در فیلم «اوکی مستر» یا «سیندرلا» در سال ۱۳۵۷ نیز ادامه داد.

در سینمای بعد از انقلاب که قاعدا بنا به وجه فرهنگی انقلاب، قاعدا تا باید برخورد صریح و بی‌تعارفی با پدیده سینما انجام می‌گرفت اما همچنان اتفاق خاصی نیفتاد.

در این سال‌ها اغلب آثاری که درباره تاریخ سینمای ایران ساخته شد، مانند «ناصرالدین شاه، آکتور سینما» یا «گراند سینما» یا درباره خود سینما و پشت‌صحنه‌هایش بر پرده رفتند همچون «سرخوست‌ها» غلامحسین لطفی یا «مزاحم» سیروس الوند یا «سینما شهرقصه» کیوان علیمحمدی و «شیخ کرم» کیانوش عیاری و «کلوزاپ» عباس کیارستمی و ... در ستایش سینما و عشق به آن بودند و حتی داریوش فرهنگ که «دو فیلم با یک بلیت» را با تقلید از همان فیلم «شب آمریکایی» فرانسوا تروفو ساخت، نتوانست مثل تروفو به نقد سینما و پشت‌صحنه‌ها و روابط درون و برون آن پرداخته و در واقع سینما را موجب حل مشکلات آدم‌هایش و دیگران دانست.

در انتهای فیلم شب آمریکایی، شخصیت اول مرد درون فیلم به نام الکساندر به‌دلیل کمبودهای زندگی‌اش در بی‌به فرزند خواندگی گرفتن پسر جوانی است اما در این راه تصادف و فوت کرد تا نتواند در آخرین صحنه‌های فیلم بازی کند.

بازنگر اصلی زن یعنی همان هنرپیشه آمریکایی که به‌دلیل الزامات تولید فیلم، ناگزیر از خیانت به همسرش شده بود پس از مدتی روان‌پریشی برای همیشه از بازیگری کناره‌گیری کرد و بازنگر مرد دیگر هم نامزدش را یک بدلکار انگلیسی با خود برد، او هم داشت دیگر سینما را کنار می‌گذاشت و ...



فیلم کوتاه

«اسما» مهمان بیستمین پاتوق یکشنبه‌ها

فیلم کوتاه «اسما» به کارگردانی مصطفی آقامحمدلو در بیستمین پاتوق یکشنبه‌های کوتاه با حضور محمدتقی فهیم و حسین محروقی به‌نقد و بررسی گذاشته می‌شود. به گزارش جام‌جم، در خلاصه فیلم کوتاه اسما به کارگردانی مصطفی آقامحمدلو و تهیه‌کنندگی فرهاد عباسی آمده‌ است: اسما درباره پرستاری بنامی است که باعث می‌شود کودک تازه متولدشده‌ای با اپنار به زندگی بازگردد. همسان خداکرهی، بلور سادات کساییان، احمد جنید، حسین سماحه، بشیر خفایی‌زاده و سپیده صادقی ازجمله بازیگران این فیلم هستند. سایر عوامل این فیلم نیز عبارتند از: مجری طرح: محمد مهدی توکلی، مدیر هنری: بابک کشان فلاح، مدیر تصویربرداری: شاهین عراقی، مدیر صدابرداری: امین جعفری، طراح صحنه و لباس: رها داد‌خواه، دستیار اول کارگردان: علی آشتیانی، تدوین بنیامین قیاقی، مدیر تولید: سجاد اسدی، ناظر کیفی: حسین اسدی‌زاده، صداگذاری: مرتضی فتحی، آهنگساز: علی اسکندرپور و گرم؛ ما جاد آل‌کثیر. این فیلم با همکاری سازمان رسانه اوج و انجمن سینمای جوانان تولیدشده‌ است که پیشتر و در سی‌ونهمین جشنواره فیلم کوتاه تهران به نمایش درآمده بود.

